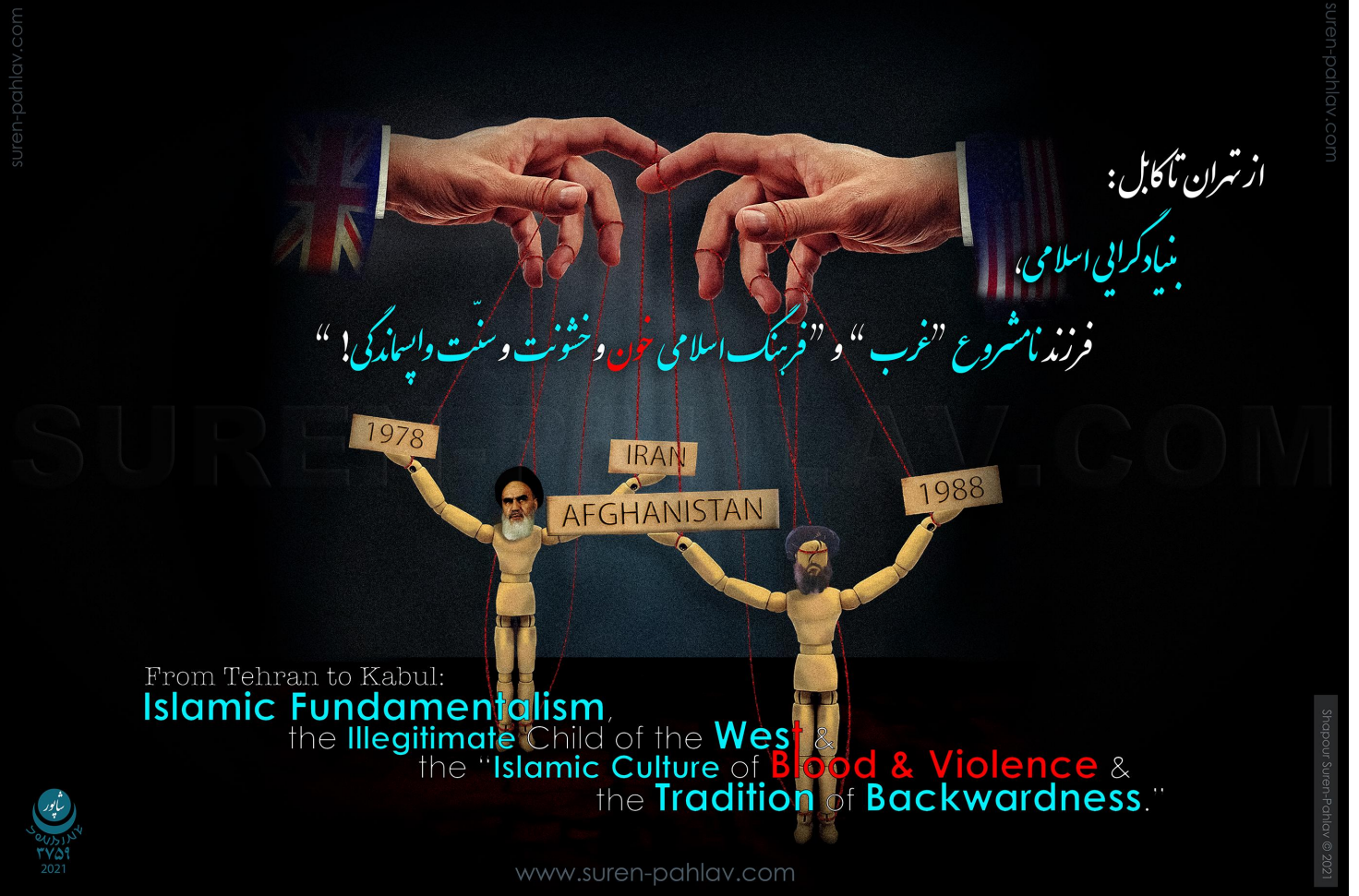




ایرانیان اعضای یک پیکرند - که در آفرینش ز یک گوهرند،

چو ایرانی به درد آورد روزگار - دگر ایرانیان را نماند قرار!

آنچه که در ۴۳ سال گذشته در ایران رخ داده است و تکرار آن را در سه دهه گذشته و بویژه از سال ۲۰۰۱ بدینسو و امروز در ایران خاوری (افغانستان) شاهد بوده و می‌باشیم، سخن ادوارد مورو، گزارشگر نامی جنگ جهانی دوم را در یادها زنده می‌سازد که: "هیچ کسی نمی‌تواند بر سر ملتی با ارباب و تهدید حکومت کند، مگر آنکه همه ما همدست او باشیم!"

همانگونه که بیگانگان با بهره‌وری از "بنیادگرایی اسلامی" که بدست بریتانیا ساخته شده بود^[1] و در دهه ۷۰ ترسایی بر اساس یک "طرح و سپس انقلاب مهندسی شده"^[2] توانستند نظام شاهنشاهی را در سال ۲۵۳۷ سرنگون و بجای آن رژیم استبداد جمهوری را بقدرت رسانند، تا رژیم ایرانستیز و ایرانفروش مذهبی، کشور و ملتمان را به دوران قاجاریه بازگردانده و امروزی را که شاهدش می‌باشیم پدیدار سازند، نیز همان نیروها، در چند دهه گذشته با بهره‌وری از همان بنیادگرایی اسلامی و اجرای برنامه‌های مهندسی شده سیاسی و نظامی، همان تگونیختی‌ها را بر سر هم‌تبارانمان در ایران خاوری (افغانستان) آورده‌اند، که اوج کنونی آن را در چند روز گذشته و بازگرداندنشان طالبان بقدرت^[3] بدست بیگانگان، وجدان، روان و قلب هر انسان باوجدان و بیداری، بویژه ایرانیان که هم‌تباران خود را در آنسوی مرزها در زخم و زجر و شیون می‌بینند، به درد و اشک و پریشانی ژرفنایی می‌نشانند. ولی، نکته‌ای که مایستی موجب خودفریبی هیچکدام از ما شود، همه بیگانگان بر دوش بیگانگان نیست، زیرا که هیچ بیگانه‌ای نخواهد توانست چنین سیه‌روزگارهایی را بدون همدستی و همیاری خود ما، برایمان پدیدار سازند و در اینجاست که سخن مورو را در یادها زنده می‌شود.

بنابراین هم میهنم، هم تبارم، پیش از سرزنش بیگانگان و بباد نکوهش گرفتن کشورمداران آمریکایی و غیره، بایستی به درون خود و کاری‌ها و بی تفاوتی‌های خود نگریسته و خویشتن را به دادگاه وجدان، انسانیت و تاریخ کشانیم تا متوجه گردیم که بخش بزرگ این مشکل، همدستی یکایک ما در برپاسازی این روزهای تباه و سیاه برای خود و یکدیگر می‌باشیم، بویژه همدستی اکثریت هم میهنان و هم‌تباران مسلمان ما در ایران و ایران خاوری، که کیش تازیان در سرشت و هستی‌اشان نهادینه شده است^[4] همدستی‌هایی که در ایران با پیشه کردن خاموشی و تماشای ملت نسبت به کشتار سران ارتش و نخبگان اداری کشورشان، فرود آمدن نخستین سیلی بر سر و یکمین مشت بر سر زنان و دختران ایرانی آغاز گشت تا به ضعیفه‌های اسلامی تبدیل شوند، تا شراکت در تعزیه‌های و سپرک‌های رای‌گیری رژیم و یاری به بقا در مشروعیت بخشیدن به رژیمی که برادر مهتر طالبان است ادامه پیدا کرد^[5] و ۴۳ سال دیرتر با وجود دیدن همه این جنایات و خیانت‌ها، چپاول‌ها، دزدی‌ها، اعدام‌ها و هزاران جنایت دیگر، بجای دست‌یاری دادن و پیاسازی یک خیزش ملی یکپارچه و سراسری تا آزادسازی خود و کشور از اسارت استبداد و حاکمیت خون و خشونت و زنستیزی و ایرانستیزی و ایرانفروشی، خاموشی برگزیده است.

باری، بنیادگرایی اسلامی در جوامع اسلامی، در بهترین شیوه و گونه ممکنه خود، همچون بیماری آنفلوآنزا می باشد. بیمار مبتلا به ویروس آنفلوآنزا دو نیروی بویایی و چشایی خود را از دست می دهد و بنیادگرایی اسلام، موجب می گردد تا دو نیروی "اندیشیدن" و "خردورزیدن" از هستی و سرشت بی کار شوند - و انسان ناتوان در اندیشیدن و خردورزیدن، سرنوشتی نخواهد داشت بجز عروسک های خیمه شب بازی شدن تا در دستان خیمه شب بازان بیگانه و دکانداران دین، سردرگم و گیج به همه سویی و هر ره و بیراهه ای کشانده شوند.



شاپور سورنپهلو
@ShapourSP



بازگرداندن طالبان به قدرت در افغانستان بدست بیگانگان، درس بزرگی را به ما ایرانیان می آموزاند:

"اگر در فردای سرنگونسازی رژیم استبدادی جمهوری حاکم بر ایران، از نابودی ریشه ای 'قشر روضه خوانان'، که زاینده و مروج دروغ، بی سواد، خرافات، زنستیزی و واپسگرایی در ایران می باشد، به همراه زدودن همه نمادهایش و با خاک یکسان سازی نهادها و مراکز پرورش روضه خوانان، غفلت ورزیم یا در زیر فشار اربابان بیگانه اشان خودداری کنیم، بدون هیچ گمانی، این رژیم و روزگار شوم و تیره کنونی را باری دگر تجربه خواهیم کرد."

     surenpahlav  shapours  <https://suren-pahlav.com>

در پایان، بازگرداندن طالبان به قدرت بدست بیگانگان، درس بزرگی را به ما ایرانیان بایستی بیاموزاند که "اگر در فردای سرنگونسازی رژیم استبدادی جمهوری حاکم بر ایران، از نابودی ریشه ای 'قشر روضه خوانان'، که زاینده و مروج دروغ، بی سواد، خرافات، زنستیزی و واپسگرایی در ایران می باشد، به همراه زدودن همه نمادهایش و با خاک یکسان سازی نهادها و مراکز پرورش روضه خوانان، غفلت ورزیم یا در زیر فشار اربابان بیگانه اشان خودداری کنیم، بدون هیچ گمانی، این رژیم و روزگار شوم و تیره کنونی را باری دگر تجربه خواهیم کرد."

پس هم میهن و هم تبارم، هم درد را دانیم و هم دانیم که چه درمان سازیم!

شاپور سورنپهلو

روز مانتره سپند از ماه مرداد سال ۳۷۵۹ بهدینی

۲۵ مرداد ۲۵۸۰ شاهنشاهی

۱۶ اوت ۲۰۲۱ ترسای

بازبردها [منابع] و فرامودها [توضیحات]:

× - پیوند اینترنتی کوتاه شده به این نگاشته: <https://bit.ly/3m4dqNc>

1 - با مراجعه به نوشتار این نگارنده بنام "برنارد لوئیس، طراح تجزیه ایران، پدرخوانده بنیادگرایی اسلامی، سازنده ولایت فقیه و پدر معنوی جمهوری اسلامی را بشناسید!" و در بخش "اخوان المسلمین" در باره "تاریخچه" ساخت بنیادگرایی اسلامی توسط دولت بریتانیا، به همراه منابع توضیح داده شده است.

2 - سورنپهلو، شاپور، "از توطئه تا انقلاب مهندسی شده: چرا و چگونه بریتانیا، آمریکا و اسرائیل نظام شاهنشاهی را سرنگون ساختند؟"

3 - سورنپهلو، شاپور، "آیا تروریست های طالبان، ایران خاوری (افغانستان) را در آینده ای بسیار نزدیک درخواست خواهند نمود؟" - <https://bit.ly/3B2P8rf>

4 - سورنپهلو، شاپور، "رژیم روضه خوانان، هوده ۱۳۷۲ سال "موالی گری" در ایران" - <http://bit.ly/2RKyHfv>

5 - سورنپهلو، شاپور، "رژیم استبداد و مردم زودباور: سیرک و تعزیه ای به نام انتخابات ریاست جمهوری-"
<https://bit.ly/3d9kOls>

#419ab3

